

بسم الله الرحمن الرحيم

(بازهم حرف پیمبر صلی الله علیه و آله و سلم به زمین می ماند) ۲

کار این لات و هُبل نیست خدا می داند

گرد ماتم به رخ چهره ی اسلام نشسته

همه از معرکه خسته

قلب پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم از این حال شکسته

که در این جنگ نفس گیر که هرگز نبود لحظه ی تاخیر

ببینید شده قوم یهودی چو سرازیر

تو گویی همه دارند سر جنگ ، هم آواز و هماهنگ

شده دشمن دادار ، پر از کینه ی پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم مختار

(کسی نیست شود فاتح پیکار؟) ۲

کسی نیست شود فاتح خیبر !

ناگهان بانگ برآورد پیمبر صلی الله علیه و آله و سلم :

حضرت حیدر ، شیر دلاور ، جان پیمبر صلی الله علیه و آله و سلم ، فاتح خیبر

حیییدر ...

یک شیر تو میدونه و ... شمشیر میگردونه و دنیا داره میبینه و ...

"لا حول ولا قوه الا بالله" میخونه ...

لشگر بی سامونه و دشمن سرگردونه و ... خیبرو میلرزونه و ...

"لا حول ولا قوه الا بالله" میخونه ...

علی علیه السلام بود همان جان پیمبر صلی الله علیه و آله و سلم ، همان فاتح خیبر، ولی بعد پیمبر صلی الله علیه و آله و سلم
علی علیه السلام بود و دلی تنگ و یک امت صد رنگ که دارند سر جنگ و مردی که دلش سنگ تر از
سنگ

پس از سید لولاک پی غصب خلافت به در خانه اش افروخت زکین آتش و در گردون او بست طناب
و اسدالله از این مرحله دلگیر ، و چو شیری که شود بسته به زنجیر کشیدند وصی نبی و جان گرامش
و بانو سلام الله علیها که بدان حال شده پشت و پناهش ...

چه غوغایی ، عجب حالی ... کنارت از پا افتادم ...

پر زخمی ، دلم زخمی ... برا تو جونم و دادم ...

کجایی فاتح خیبر؟

به دنبال تو میگردم ...

میون خاک و خون و در ... توی کوچه گمت کردم ...

توی کوچه

[لینک فایل صوتی سرود " کجایی فاتح خیبر "](#)

التماس دعای فرج